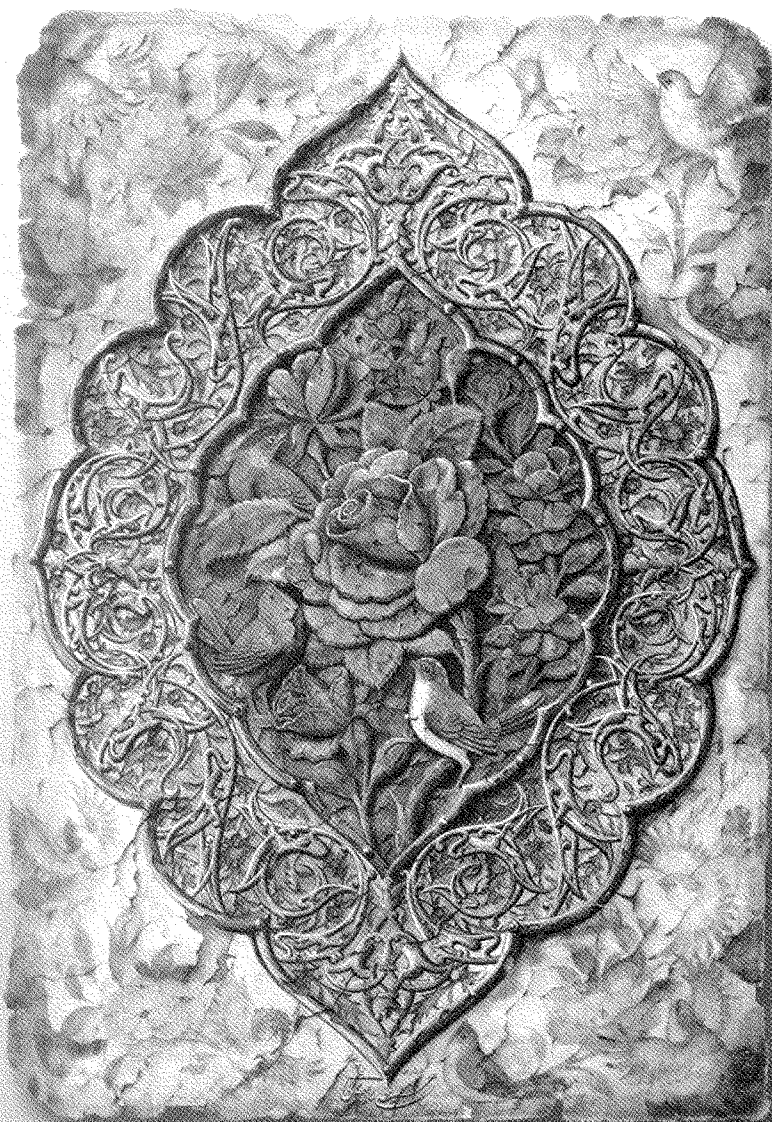


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میقات

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی



سال دوازدهم
شماره چهل و هفتم
بهار ۱۳۸۳



صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
مدیر مسئول: سیدعلی قاضی عسکر
زیر نظر: هیأت تحریریه

ویراستار: علی ورسته‌ای
طراح: کمال محمدی مجد (ملقن)
حروفچینی: مرکز تحقیقات حج
لیتوگرافی و چاپ: دارالحديث

آدرس: تهران - خیابان آزادی - نبش خوش
سازمان حج و زیارت - طبقه دوم - معاونت
آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری

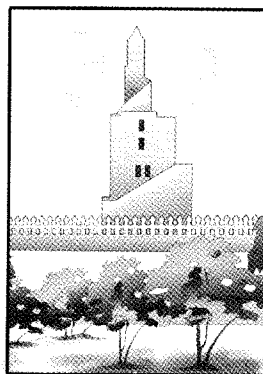
آدرس اینترنت: www.Hadj.ir

آدرس پست الکترونیک: BeseH@Hadj.ir

یادآوری:

- مسئولیت آراء و نظرات به عهده نویسندگان آن است.
- میقات، در ویرایش مطالب آزاد است.
- مقالات رسیده، بازگردانده نخواهد شد.

فهرست



■ اسرار و معارف حج

سیدعلی قاضی عسکر..... ۶	مکهٔ مکرمه، مرکز فرهنگی جهان اسلام
محمد مهدی فیروز مهر ۲۳	شهر خدا در کلام خدا
سید جواد ورعی ۴۱	برتری مکه یا مدینه؟

■ فقه حج

مرکز تحقیقات حج - بخش فقه ۵۲	استفتائات جدید حج
------------------------------------	-------------------

■ تاریخ و رجال

محمدصادق نجمی ۶۶	تلاش دشمنان در مخدوش کردن شخصیت حمزه علیه السلام
------------------------	---

■ اماکن و آثار

..... ۸۸	صُرّهٔ همایون و کاروان صُرّه در دولت عثمانی
----------	---

■ حج در آیین ادب فارسی

جمعی از شاعران معاصر ۱۰۶	نتایج نهایی مسابقهٔ سراسری شعر حج
--------------------------------	-----------------------------------

■ جاری‌های حج

..... ۱۳۶	حمل و نقل درون شهری (ویژهٔ حج تمتع)
-----------	-------------------------------------

■ گفتگو

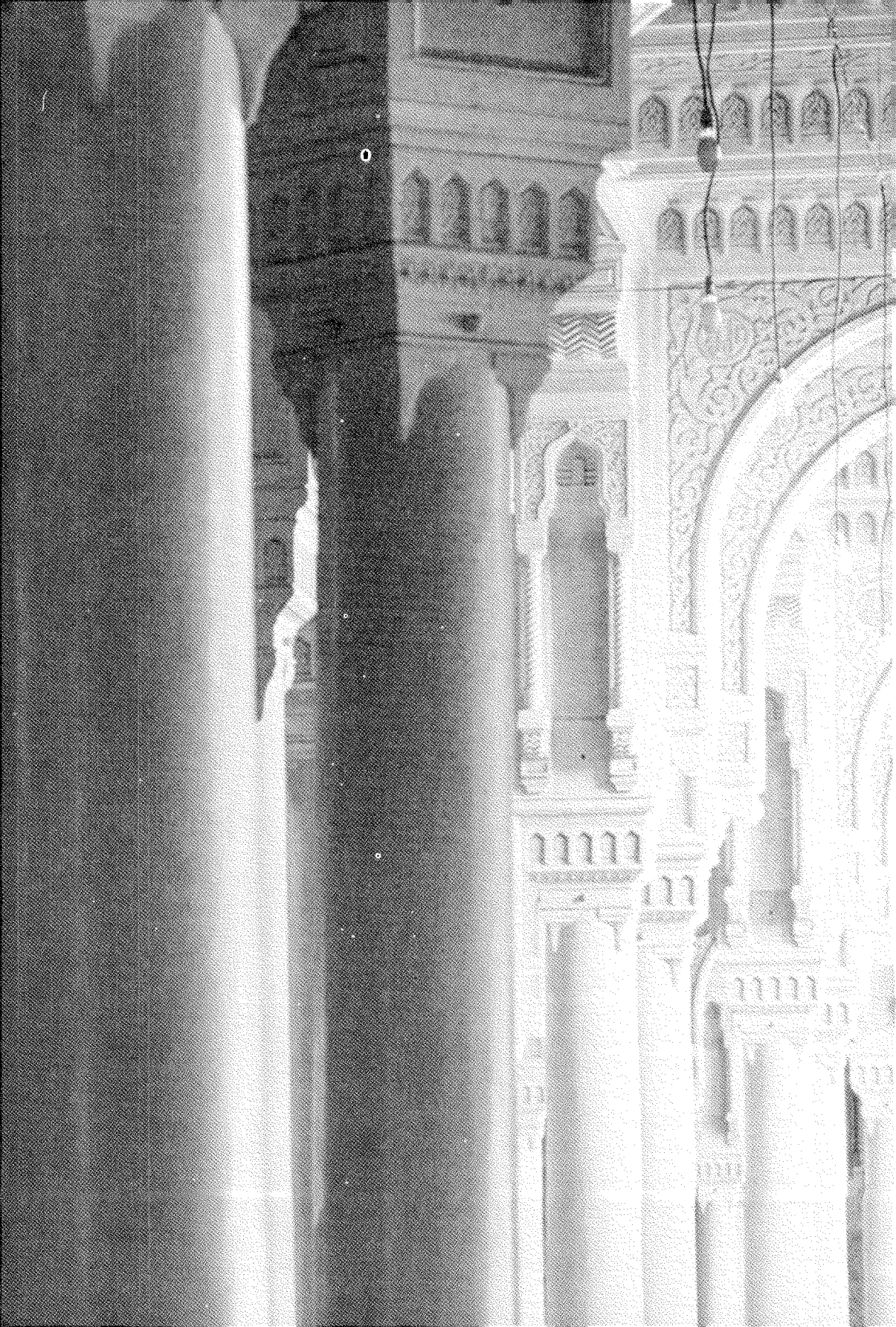
..... ۱۴۶	ویزگی‌های حج ۸۲ در گفتگو با امیر الحاج
-----------	--

■ خاطرات

..... ۱۶۶	سفرهای حج «زبان گویای اسلام» حجت‌الاسلام فلسفی رحمته الله
..... ۱۷۶	خانهٔ دوست سهیل محمودی

■ (از نگاهی دیگر)

..... ۱۹۶	هجرت‌سرای پیامبر صلی الله علیه و آله ایوب صبری پاشا / علی اکبر مهدی پور
-----------	---



اسرار و معارف حج



مکّه مکرمه

مرکز فرهنگی جهان اسلام

سید علی قاضی عسکر

اسرار و مدارف حج



در ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۴ هـ. ق. دعوتنامه‌ای از سوی وزیر حج عربستان آقای دکتر ایاد بن امین مدنی برای اینجانب ارسال گردیده بود تا برای کنگره بین‌المللی حج، که از ۴ تا ۶ ذی‌حجه با عنوان «مکّه المکرمه عاصمة الثقافة الاسلاميه» در مکّه مکرمه برگزار می‌گردد، مقاله‌ای بفرستم. دعوتنامه پیشگفته، پس از عید فطر به دستم رسید که فرصت ارسال مقاله گذشته بود، از این رو، برای اجابت دعوت و پاسخ به محبت ایشان، مقاله‌ای را که در پیش‌رو دارید تهیه نموده، برای آقای وزیر فرستادم. سرانجام، در ماه ذی‌قعدة خبر یافتم مقاله اینجانب در شمار مقالات برگزیده است و باید در موسم حج آن را در کنگره مزبور قرائت کنم. پس از حضور در کنگره و قرائت متن تعریف شده، خوشبختانه مطالب آن مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار گرفت که توجه خوانندگان گرامی را به متن مقاله جلب می‌نمایم:

شهر مکّه مکرمه از ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فردی برخوردار است که دیگر اماکن و شهرها، از آن بی‌بهره‌اند. برخی از این ویژگی‌ها، که خداوند سبحان آنها را در قرآن کریم برشمرده است، عبارتند از:

۱. مکه، امّ القری و مادر شهرها است:

تاریخ‌نگاران بر این باورند که زمانی آب تمامی کره زمین را فرا گرفته بوده، سپس نقطه‌ای از خشکی پدیدار گشته و رفته رفته زمین گسترش یافته است. روز پیدایش خشکی را «دَحْو الْأَرْض» نام نهاده و به حساب ماه‌های قمری، مطابق با ۲۵ ذی‌قعدة شمرده‌اند.

منابع دینی، نقطه آشکار شده در زمین را، همان محلّ کعبه دانسته و معتقدند که زمین از محلّ کعبه توسعه یافته است.^۱

در برخی از دعاها نیز این جمله آمده است: «اللّهُمَّ ذَا حِی الْکَعْبَةِ».

در نظریات جدید زمین‌شناسان هم، این نظریه مطرح شده است که قاره‌های دیگر جهان، از نقطه‌ای در حدود آفریقا و شبه جزیره عربستان جدا شده‌اند.^۲

جالب‌تر اینکه جای کنونی کعبه، درست مقابل «بیت المعمور» در عرش الهی است و این هر دو، بیانگر آن است که کعبه در جهان خلقت و در زمین و آسمان محوریت دارد.^۳

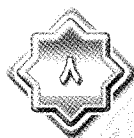
در روایت آمده است: «... وَ وُضِعَ الْبَيْتُ فِي وَسْطِ الْأَرْضِ لِأَنَّهُ الْمَوْضِعُ الَّذِي مِنْ تَحْتِهِ دُحِيتِ الْأَرْضُ وَلِيَكُونَ الْفَرَضُ لِأَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فِي ذَلِكَ سَوَاءً...»^۴

۲. مکه شهری است با سابقه‌ای دیرینه که در آن تمدنی بزرگ پایه‌ریزی شده است: به دنبال دعای حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام مکه شهریت یافت و تمدن دینی در این شهر کوهستانی و سرزمین غیر قابل کشت، پایه‌گذاری شد. آن حضرت از خداوند خواست که: «... رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...»^۵.

۳. این شهر و محدوده حرم در اطراف آن، از امنیت برخوردار است و هیچ‌کس حق ندارد آنجا را با ظلم و ستم آلوده کند:

هرکس به این شهر پناه آورد، در امنیت کامل خواهد بود و حتی حیوانات و گیاهان نیز از تعرض و آزار مصون‌اند و کسی حق کشتن و یا اذیت کردن آنان را ندارد و گیاه حرم را نیز نباید بکنند و حیات را از آنها بگیرند؛ «... رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...».

و در آیه دیگر قرآن نیز آمده است: «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ».^۶ و هر تصمیم‌حادی



در آن، موجب انتقام الهی می شود؛ «...وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ».

۴. داشتن اقتصاد سالم، ویژگی دیگر این شهر است:

ساکنان این منطقه از اقتصاد سالم برخوردار بوده و برای همیشه، خداوند نعمت های خویش را به آنان ارزانی داشته است؛ «...وَأَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ...»^۷ و در آیه دیگر می فرماید: «...يُجِبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا...».

۵. توجه قلب های میلیون ها انسان مسلمان در سراسر جهان، به این سرزمین است: دل های مشتاق مسلمانان، به سوی این سرزمین گرایش دارد و همه ساله در موسم حج تنها تعدادی از این علاقمندان توفیق حضور در این شهر را می یابند؛ «...فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ...»^۸.

۶. یکسانی ساکنان مکه با مردمان دیگر جای ها، که برای حج گزاری به آنجا می آیند: کسانی که به این شهر وارد می شوند، با آنان که پیش از آنها در این شهر سکونت داشته اند، یکسان و برابرند؛ «...سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...»؛ «فَالْعَاكِفُ الْمُقِيمُ بِهِ وَالْبَادِي الَّذِي يَحُجُّ إِلَيْهِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِ»^۹. «عاکف» کسی است که در مکه ساکن است و «بادی» کسی است که از دیگر سرزمین ها برای حج گزاری به آن دیار می رود.

۷. اداره امور شهر مکه به وسیله صالحان، فرمان خداوند است:

فرموده خدا است که باید تصدّی امور و تولیت شهر مکه در دست متّقین و صالحان باشد؛ «...وَمَا كُنَّا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَائُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ...».

سرّ این مسأله آن است که مکه و مسجد الحرام و کعبه، یک شهر و یا یک اثر تاریخی و باستانی نیستند که باید مسؤولان کشور به حفظ آن همّت گمارند، بلکه اینجا پایگاهی برای تربیت مسلمانان و گسترش علم و فرهنگ و انتقال آن از طریق حاجیان به سراسر دنیاست.

۸. خانه خدا (کعبه) در مکه واقع است:

از ویژگی های بی شمار مکه، آن است که کعبه در آن واقع شده و آن، نخستین خانه

بنا شده برای مردم است و در نتیجه هر انسان مسلمانی نسبت به خانه خود، که همان خانه خداست، علقه‌ای ویژه دارد و خویشتن را در آنجا، غریب احساس نمی‌کند؛ «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا...».

۹. مکه، محور و مرکز تبادل افکار در مسائل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و دینی است:

آری، کعبه، عَلم و نشانه و مرکز انتشار هدایت دینی به سراسر جهان، در این شهر است؛ «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ ... وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ».

پیامبر خدا ﷺ رسالتش جهانی است؛ «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»، «...إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ».

و قرآن نیز هدایتگر عموم مردم است؛ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ...» و «...وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا...».

بنابراین، چون اسلام دینی است جهانی و پیامبر خدا ﷺ برای هدایت عموم مردم به رسالت مبعوث شده است، چنین دینی نیاز به مرکزی ثابت و غیر قابل تغییر دارد تا طرفداران و علاقمندان به آن، در آن مرکز گرد هم آیند و روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و دینی خود را بازگو نموده، مشکلات خویش را مرتفع سازند. قرآن در این زمینه می‌گوید: «وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّغْلُومَاتٍ...».

خداوند سبحان به شکلی ارتباط مسلمانان را با این مرکز برقرار نموده که در هر شبانه روز، پنج نوبت به سوی این خانه نماز می‌گزارند و حتی هنگام مرگ نیز لازم است صورت آنان به سوی کعبه قرار گیرد و رو به آن دفن شوند.

۱۰. کعبه و مسجد الحرام، که از هر آلودگی پاک و محل زدودن گناهان است، در

مکه قرار دارد:

خانه خدا به دستور خداوند، از هر آلودگی پاک گردیده و کسانی که به این مرکز وارد می‌شوند، آلودگی‌های گناه را از خود می‌زدایند و پاکیزه و طاهر، به دیارشان باز می‌گردند؛ «مَغْفُورٌ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ».^{۱۰}

دستور این پاکی از سوی خداوند بوده است: «وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».^{۱۱}

و اگر از قرآن الهام بگیریم، به خوبی در خواهیم یافت که در رابطه با تأسیس و بنای مسجد قبا نیز خداوند می فرماید: «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...». سپس می فرماید: «...فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا...» و در نتیجه «...وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ».

بایگاهی برای تربیت مسلمانان و گسترش علم و فرهنگ و انتقال آن از طریق حاجیان به سرتاسر دنیاست.

پس نتیجه می گیریم که این خانه بنا نهاده شده تا مسلمانان به آن وارد شوند و خود را از آلودگی های شرک و گناه پاک کنند و سپس محبوب خدا گردند.

۱۱. بقای جامعه دینی و تحقق اهداف پیامبر ﷺ، در توجه مردم به حج است، که در مکه برگزار می گردد:

قرآن بقای جامعه دینی و اسلامی را با کعبه پیوند زده، می فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ...».^{۱۲}

این آیه بیانگر آن است که اگر مردم به کعبه و حج توجه نموده، از این اجتماع دینی در راستای تحقق اهداف پیامبر خدا ﷺ بهره بگیرند، زندگی مادی و اجتماعی و سیاسی آنان از هم گسیختگی مصون و محفوظ می ماند. امام جعفر صادق ﷺ این حقیقت قرآنی را اینگونه بیان کرده است: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»^{۱۳}

امام علی بن ابی طالب ﷺ در وصایای خود به فرزندان و پیروانش فرمود: «اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تَخْلَوْهُ مَا بَقِيَتْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَ لَمْ تُنَظَرُوا».^{۱۴}

باز در حدیثی دیگر آمده است: «أَمَّا إِنْ النَّاسُ لَوْ تَرَكَوا حَجَّ هَذَا الْبَيْتِ لَنَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَمَا نُؤْظَرُوا».^{۱۵}

نتیجه می گیریم که بی توجهی به کعبه و حج، نوعی پیمان شکنی با خداوند و بی توجهی به رکن مهمی از ارکان دین است و از آنجا که نقش تخریبی زیادی در سست کردن پایه های اسلام و در نتیجه فروپاشی آن دارد، عقوبت بسیار سختی نیز برای آن در

نظر گرفته شده است.

از سوی دیگر، دولت‌های اسلامی موظف شده‌اند در صورت تحقق بی‌توجهی به حج و ترک زیارت خانه خدا، با استفاده از بیت‌المال، مسلمانان را به حج اعزام نمایند و از مهجور ماندن کعبه پیش‌گیری کنند.^{۱۶}

۱۲. کعبه خانه‌ای آزاد و محور آزادی:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «...وَلْيُؤْفُوا تَذْوِرَهُمْ وَ لِيُطَوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ». و امام باقر علیه السلام دربارهٔ رمز نامگذاری کعبه به «بیت عتیق» فرمود: «هُوَ بَيْتٌ حُرٌّ عَتِيقٌ مِنَ النَّاسِ لَمْ يَمْلِكْهُ أَحَدٌ».^{۱۷}

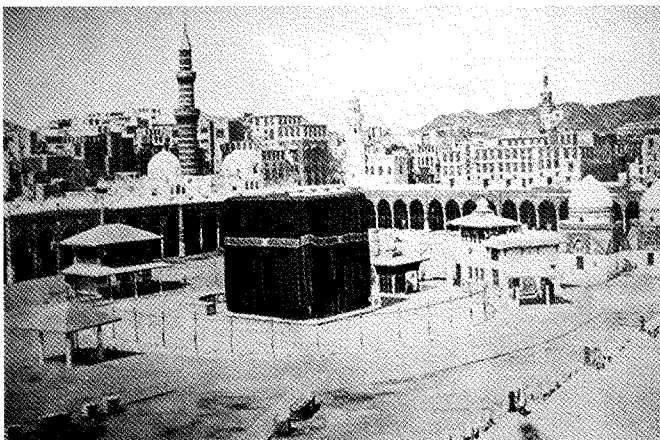
و چون کعبه محور توحید است و توحید رهاسازی انسان از هر بردگی و سلطه را به همراه دارد، لذا می‌توان گفت «کعبه محور آزادی است».

امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا».^{۱۸}

۱۳. کعبه، مرجع عموم مردم و مأمن تمام انسانها:

قرآن فرموده است: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا...».^{۱۹}

«ثاب» به معنای «رجع» و «مثاب» و «مثابه» به معنای «مرجع» است و چون این خانه برای مردم بنا نهاده شده، «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ...». بنابراین، آن‌کس که این خانه را زیارت می‌کند و به سوی آن می‌آید، در حقیقت به وطن اصلی خود مراجعت کرده و در نتیجه به اصل خود برگشته است.



با توجه به ویژگی‌هایی که برای مکه شمرده شد، به خوبی درمی‌یابیم که هیچ شهری از شهرهای دنیا، دارای این ویژگی‌ها نبوده و نمی‌تواند با مکه برابری کند. از این رو، مکه شایسته‌ترین مکان برای تبیین دین و گسترش فرهنگ اسلام است.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ - مَخَاطِباً لِمَكَّةَ - : «إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّكَ حَرَمُ اللَّهِ وَأَمْنُهُ وَأَحَبُّ الْبُلْدَانِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى».^{۲۰}

وَعَنْهُ ﷺ وَكَانَ وَاقِفاً بِالْحَزْوَرَةِ^{۲۱} فِي سَوْقِ مَكَّةَ : «وَاللَّهِ إِنَّكَ لَخَيْرُ أَرْضِ اللَّهِ وَأَحَبُّ أَرْضِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - وَلَوْ لَا أَنِّي أَخْرَجْتُ مِنْكَ مَا خَرَجْتُ».^{۲۲}

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «أَحَبُّ الْأَرْضِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَكَّةُ وَ مَا تُرَبُّهُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ تُرَبِّهَا وَ لَا حَجَرٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ حَجَرِهَا وَ لَا شَجَرٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ شَجَرِهَا وَ لَا جِبَالٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ جِبَالِهَا وَ لَا مَاءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ مَائِهَا».^{۲۳}

مکه، محل حج‌گزاری و محور توسعه فرهنگ دینی

مکه از یک سو خود دارای شرافت و عظمت است و ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد و از سوی دیگر به دلیل برگزاری حج در آن، اهمیت بیشتر و مهمتری پیدا کرده است. حج، محور بودن این شهر مقدس و تأثیرگذاری فرهنگی و اخلاقی آن در جهان اسلام را تقویت نموده است.

خداوند متعال بر اساس آیه شریفه: «...وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...». از کسانی که شرایط استطاعت را دارند، خواسته است تا همه ساله در موسم حج و در ایامی خاص از گوشه و کنار جهان به مکه آمده، فریضه حج را به جای آورند، انجام این عمل تنها یک‌بار در زندگی هر مسلمانی واجب است و بر همین اساس، از آن به «عبادت عمر» تعبیر شده است.

ثمرات و برکاتی که برای حج از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام در احادیث و روایات نقل شده، بیانگر این است که حج کانونی برای ایجاد تحوّل روحی و اخلاقی مسلمانان تلقی گردیده و همه ساله بر تعدادی از مردم، که شرایط استطاعت را دارند واجب است به آنجا آمده، خود را از گناهان پاک نمایند و از گذشته غلط خویش فاصله

بگیرند و راه صحیح را برگزینند، سپس مراجعت نموده این تحوّل را به خانواده و دوستان و آشنایان خود در گوشه و کنار جهان منتقل سازند.

جالب توجه اینکه: در این برنامه ریزی، هیچگونه بودجه عمومی و بیت المال مسلمانان هزینه نمی شود؛ زیرا هر حاجی پس از آنکه توان مالی و استطاعت پیدا می کند، انجام حج بر او واجب می شود و در نتیجه تمامی هزینه های مربوط را خودش می پردازد. برای آنکه خوانندگان گرامی، این حقیقت را بهتر دریابند، به بیان یک نمونه بسنده می کنیم:

در سال (۱۳۸۲ ه. ش. = ۱۴۲۴ ه. ق.)، جمهوری اسلامی ایران، حدود ششصد هزار (۶۰۰ ۰۰۰) نفر را به حج و عمره اعزام کرد. این زائران، در عمره، حدود ۱۵ روز و در موسم حج، حدود ۲۷ روز در حرمین شریفین حضور دارند. در موسم حج، از حدود سه ماه قبل و در موسم عمره از دو ماه قبل در جلسات آموزشی پیش از عزیمت شرکت می کنند و مسائلی چون:

- ۱- احکام فقهی عمومی ۲- مناسک حج ۳- اسرار و معارف حج ۴- تاریخ اسلام
- ۵- اماکن و آثار اسلامی مکه و مدینه ۶- آداب سفر حج ۷- آداب معاشرت و توجه به اخلاق اسلامی ۸- بهداشت در سفر ۹- آشنایی با مقررات و قوانین کشور میزبان
- ۱۰- توصیه ها و تذکرات و... به آنان آموزش داده می شود.

هنگام تشرّف به حرمین شریفین نیز جاذبه های معنوی موجود در مکه و مدینه و به خصوص در ایام تشریق و در عرفات و مشعر و منا و هنگام طواف و سعی، زائران خانه خدا را به شدّت تحت تأثیر قرار می دهد. اگر به طور میانگین خانواده هر فرد زائر را چهار نفر در نظر بگیریم و هر حاجی پس از تأثیرپذیری از حج و تحوّل روحی و اخلاقی در وجود خویش، بتواند در اعضای خانواده خود نیز تأثیر بگذارد و تحوّل روحی و اخلاقی ایجاد شده در خود را به آنان منتقل نماید، چیزی در حدود ۴۰۰ ۰۰۰ هزار نفر در هر سال از تحولات فرهنگی حج بهره مند خواهند شد و این عدد در متمرّ ثمر بودن فعالیت های فرهنگی، کاملاً قابل توجه است؛ به خصوص در زمان کنونی که دشمنان اسلام می کوشند تا هویت دینی مسلمانان را از آنان بگیرند و روش ها و رفتارها و الگوهای غیر اسلامی خود را به آنها تحمیل کنند.

برای روشن تر شدن موضوع، به برخی از ثمرات و نتایج حج، که در احادیث و روایات از پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت آن حضرت نقل شده، اشاره می‌کنیم:

برکات حج

حج خانه خدا اگر صحیح و با رعایت آداب آن انجام شود، ثمرات و دستاوردهای بسیار مهم و شیرینی به همراه خواهد داشت که به برخی از آنها را می‌آوریم:

۱. پاک شدن گناه

حاجی در حج، برگزیده نادرست خود خط بطلان می‌کشد و راه را برای داشتن یک زندگی سالم و درست دینی و الهی هموار می‌سازد. پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«هر کسی که برای حج یا عمره از منزل خود بیرون رود، پس هر قدمی که برمی‌دارد و بر زمین می‌گذارد، گناهان از بدن او فرو می‌ریزد؛ چونان ریختن برگ از درخت. پس آنگاه که وارد مدینه می‌شود، به وسیله سلام با من مصافحه می‌کند و آنگاه که وارد ذوالحلیفه (مسجد شجره) می‌گردد و غسل انجام می‌دهد، خداوند وی را از گناهان پاک می‌سازد...»^{۲۴}

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«کسی که حج بگذارد و خدا را اراده کند و قصد ریا و شهرت طلبی نداشته باشد، به یقین خداوند او را خواهد بخشید.»^{۲۵}

حج‌گزار تا زمانی که به گناه آلوده نشده، نور حج را پیوسته دارا خواهد بود.

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«کسی که حج یا عمره انجام دهد و در آن، گناه و فسقی مرتکب نگردد، برمی‌گردد مانند روزی که از مادر متولد شده است.»^{۲۶}

آن حضرت همچنین در حدیثی دیگر فرمودند:

«ای مردم، هیچ مؤمنی در موقف (عرفات) وقوف نمی‌کند مگر آنکه گناهان گذشته او تا این زمان بخشیده شود و آنگاه که حج وی پایان یافت، عملش از نو آغاز گردد.»^{۲۷}

از مجموع آنچه گذشت، نتیجه می‌گیریم که انجام حج صحیح و مورد قبول خداوند، اولین پاداشش آمرزش گناهان و ورود به یک زندگی جدید است.

۲. راهیابی به بهشت

خداوند پاداش حج مقبول و پذیرفته شده را بهشت قرار داده است و دلیل آن شاید این باشد که هرکس به میهمانی می‌رود، معمولاً صاحب خانه می‌کوشد بهترین غذا و امکاناتی را که دارد برای او فراهم سازد. در حج نیز حاجی میهمان خداوند است و یکی از ویژگی‌های حضرت حق، کریم بودن و بخشندگی است و همیشه در دعاها به او خطاب می‌شود: «يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ»؛ «ای کریم‌ترین کریمان».

یکی از بهترین هدایای خداوند، بهشتی است که به مؤمنان و نیکان و پاکان وعده داده است که در سفر حج، آن را به میهمانان خانه خود هدیه می‌دهد. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «برای حج می‌رود پاداشی جز بهشت نیست.»^{۲۸}

۳. نورانیت

هر انسانی به هنگام تولد از مادر، فطرتی پاک دارد. قلب کودک نورانی و به دور از هر نوع تیرگی است، لیکن پس از دوران بلوغ و ورود به جامعه و آلودگی تدریجی به گناه و معصیت، گرفتار تیرگی می‌شود و احیاناً تا آنجا پیش می‌رود که قلبش دچار قساوت می‌گردد و دیگر امیدی به نجات او نمی‌رود.

افرادی که هنوز در این مرحله قرار نگرفته و توفیق انجام حج را پیدا می‌کنند، پس از آنکه روح و جان خود را در دریای شفاف و زلال حج شستشو داده و خود را پاک کردند، باز به فطرت اولیه بازگشته، نورانیت را از خداوند جایزه می‌گیرند و می‌توانند با عمل به اسلام، آن را حفظ کنند، روشن است که آلودگی به گناه، از این نورانیت می‌کاهد

و با ادامه آن، به طور کلی از میان می رود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«حج گزار تا زمانی که به گناه آلوده نشده، نور حج را پیوسته دارا خواهد بود.»^{۲۹}

۴. دستیابی به خیر دنیا و آخرت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هرکس دنیا و آخرت را می خواهد، آهنگ این خانه کند، همانا بنده ای به آنجا نیامده و از خداوند دنیا را نخواست، مگر آنکه بدان دست یافته و خداوند حاجت او را برآورده است و نیز از خداوند آخرت را طلب نکرده مگر آنکه پذیرش این درخواست را برای وی ذخیره کرده است.»^{۳۰}

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری به عثمان بن ابی العاص فرمود:

«بدان، عمره همان حج اصغر است و همانا یک عمره از دنیا و آنچه در آن است، بهتر و بالاتر است و نیز بدان که حج از عمره برتر و بهتر است.»^{۳۱}

۵. آرامش دل

یکی از فلسفه های تشریع حج، اقامه یاد و ذکر خداوند است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود:

«إِنَّمَا جُعِلَ الطَّوَافُ بِالْبَيْتِ وَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَرَمِي الْجِمَارِ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ.»^{۳۲}
«همانا طواف خانه خدا و سعی میان صفا و مروه و رمی جمرات سه گانه، فقط برای اقامه یاد خدا قرار داده شده و تشریع گردیده است.»

قرآن کریم، تأثیر یاد خدا در انسان را «آرامش قلب» ذکر می کند و می فرماید:

«...أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛^{۳۳} «همانا با یاد خدا دل ها آرام می گیرد.»

حال با توجه به این مقدمه و نیز فرموده امام باقر علیه السلام که: «الْحَجُّ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ»^{۳۴}

نتیجه می‌گیریم که یکی از ثمرات حج، آرامش دل است؛ چیزی که امروز بشریت به شدت به آن نیازمند می‌باشد.

۶. همنشین با پیامبران و صالحان

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که موسی علیه السلام حج انجام داد، جبرئیل بر وی نازل شد. موسی به او گفت: ای جبرئیل، برای کسی که حج این خانه را با نبی صادق و هزینه‌ای پاک به جای آورد، چه پاداشی مقرر شده است؟

جبرئیل به سوی خداوند - عز و جل - بازگشت (و پاسخ آن را جویا شد) خداوند به او وحی کرد و فرمود: به موسی بگو:

«او را در ملکوت اعلا همراه و همنشین با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان قرار خواهم داد و اینها همراهان خوب و شایسته‌ای هستند.»^{۳۵}

۷. در امان بودن از عذاب

امام باقر علیه السلام فرمود:

«هرکس داخل این خانه شود و نسبت به همه آنچه خداوند بر او واجب کرده، آگاه باشد، از عذاب همیشگی روز قیامت ایمن خواهد بود.»^{۳۶}
«در دنیا نیز اگر کسی به حرم پناه ببرد، از خشم خدا در امان است.»^{۳۷}

حج‌گزار در رفتن به حج و بازگشتن از آن، در ضمانت خداوند است. پس اگر در سفر، به او رنج و خستگی برسد، خداوند گناهان او را به خاطر آن سختی، می‌بخشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بر شما باد زیارت این خانه، پس پیوسته حج این خانه کنید، که با حج، گرفتاری‌های دنیا و هول و هراس‌های روز قیامت از شما دفع گردد.»^{۳۸}

۸. علو درجه در بهشت

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«حج گزار در رفتن به حج و بازگشتن از آن، در ضمانت خداوند است. پس اگر در سفر، به او رنج و خستگی برسد، خداوند گناهان او را به خاطر آن سبختی، می بخشد و برای هر قدمی که برمی دارد، هزار درجه در بهشت بالا می رود...»^{۳۹}

۹. استجاب دعا

یکی دیگر از ثمرات حج، «پذیرش دعای حاجی» است:

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «دعای سه کس مستجاب است:

۱- دعای حج گزار در مورد خانواده اش.

۲- دعای بیمار...

۳- دعای مظلوم.»^{۴۰}

در حدیثی دیگر نیز فرمود:

«حاجیان و عمره گزاران، میهمانان خدایند. خدا آنها را دعوت کرده و اینها نیز پذیرفته اند، اینها نیز دعا کرده و خداوند آن را اجابت کرده است.»^{۴۱}

در حج، هم دنیا وجود دارد و هم آخرت، هم تربیت و تهذیب نفس است و هم تربیت اجتماعی و سیاسی، هم احساس اخوت و برادری هست و هم نظم و ترتیب.



۱۰. پیشگیری از تنگدستی

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«حج انجام دهید، [تا] هرگز نیازمند نشوید.»^{۴۲}

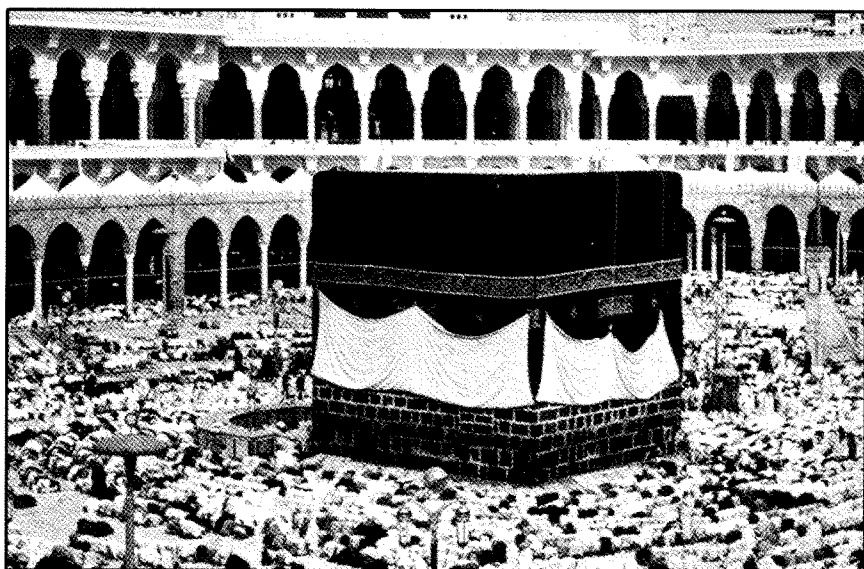
امام علی علیه السلام نیز فرمود:

«همانا بالاترین چیزی که متوسلان به درگاه ربوبی به آن توسل جویند، ایمان به خدا و پیامبر او و... حجّ خانه خدا و عمره است. پس همانا این دو (یعنی حج و عمره) فقر را دور و گناه را می‌شوید.»^{۴۳}

۱۱. دستیابی به سلامتی

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«علی بن الحسین علیه السلام فرمود: حج و عمره به جا آورید تا بدنهای شما سالم، روزی‌های شما افزون و هزینه‌های خانواده (و زندگی) شما تأمین گردد...»^{۴۴}



۱۲. پیشگیری از هلاکت

امام باقر علیه السلام فرمودند: در وصیت امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است:

«حجّ خانه پروردگارتان را ترک نکنید که هلاک خواهید شد.»^{۴۵}

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «اگر مردم حج را ترک کنند عذاب بر آنان نازل

می‌شود.»^{۴۶}

از آنچه که ذکر شد و روایات دیگری که در رابطه با فلسفه و اسرار هر یک از اعمال و مناسک حج آمده؛ از قبیل:

توبه قبل از سفر، پرداخت واجبات مالی و تطهیر اموال، تحصیل اخلاص و انجام اعمال برای خداوند، التزود من أطیب الزاد، إعانه الاصحاب، پرهیز از عجله، مراعات بیماران، احترام به سالخورده‌گان، خوش خلقی با همسفران، آزار ندادن دیگران، دادن صدقه و خواندن دعا هنگام خروج از منزل و در طول سفر و... همه نشانگر آن است که حج کانونی برای تغییر و تحول روحی و اخلاقی مردم مسلمان است و مناسک حج در حقیقت مناسک زندگی صحیح دینی و اسلامی است. در حج، هم دنیا وجود دارد و هم آخرت، هم تربیت و تهذیب نفس است و هم تربیت اجتماعی و سیاسی، هم احساس اخوت و برادری هست و هم نظم و ترتیب و بالاخره حج مجمعی برای یکی کردن آرا و دلها در زمینه‌های گوناگون و محوری برای نزدکتر شدن به خدا است و از همین رو است که حج مرکز اجتماع مسلمانان قرار داده شده تا در این تجمع شاهد منافع خویش باشند؛ «...لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...».

با توجه به نکات بالا، می‌توان گفت که مکه پایتخت فرهنگی جهان اسلام و پایگاه قوی و مطمئن برای پالایش روحی و اخلاقی مسلمانان است. که اگر از این ظرفیت عظیم به خوبی استفاده شود، می‌توان به راحتی به اهداف ذکر شده دست یافت.

○ پانویست‌ها:

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۲۴؛ تاریخ مکه المشرفة، ص ۳۴، تألیف محمد بن محمد بن احمد بن الضیاء المکی، ت ۸۸۵ ه. ق.
۲. حج از نگاه حقوق بین‌الملل، ص ۲۰۱
۳. تاریخ مکه المشرفة، ص ۳۵
۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۹۱
۵. بقره: ۱۲۶
۶. التین: ۳
۷. بقره: ۱۲۶



۸. ابراهیم: ۳۷

۹. نهج البلاغة صبحی صالح، ص ۴۵۷، از نامه امیر مؤمنان علی علیه السلام به قثم بن عباس.

۱۰. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۲۱

۱۱. بقره: ۱۲۵

۱۲. مائده: ۹۷

۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۵۷

۱۴. نهج البلاغة، صبحی صالح، ص ۴۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۶

۱۵. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۲

۱۶. علل الشرایع، ص ۳۹۶

۱۷. الکافی، ج ۴، ص ۱۸۹؛ علل الشرایع، ص ۳۹۹

۱۸. نهج البلاغة، صبحی صالح، ص ۴۰۱

۱۹. بقره: ۱۲۵

۲۰. اخبار مکه للفاکهی، ج ۲، ص ۲۶۱ / ۱۴۷۱؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۸۰۳۹ / ۹۷

۲۱. الحزورة: موضع بمكة عند باب الحنّاطین (النهاية: ۳۸۰/۱).

۲۲. مسند احمد حنبل، ج ۶، ص ۴۴۹، ح ۱۸۷۴۰

۲۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۴۳

۲۴. الحج في الكتاب و السنة، ص ۱۴۸، ح ۳۲۵

۲۵. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰۹

۲۶. الحج في الكتاب و السنة، ص ۱۶۳، ح ۳۹۲

۲۷. سنن دار قطنی، ج ۲، ص ۲۸۴

۲۸. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸

۲۹. کافی، ج ۴، ص ۲۵۵

۳۰. مسند الامام زید، ص ۱۹۷

۳۱. معجم الكبير طبرانی، ج ۹، ص ۴۴

۳۲. الحج في الكتاب و السنة، ص ۱۳۳، ح ۲۸۰

۳۳. رعد: ۲۸

۳۴. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۳

۳۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۳۵

۳۶. عوالي اللآلی، ج ۲، ص ۸۴، ح ۲۲۷

۳۷. کافی، ج ۴، ص ۲۲۶

۳۸. امالی طوسی، ص ۶۶۸

۳۹. کنز العمال، ح ۱۱۸۱۲ و ۱۱۸۴۰



٤٠. الحج في الكتاب و السنه، ص ١٦٢، ح ٣٨٦
٤١. همان.

٤٢. الحج في الكتاب و السنه، ص ١٦٤، ح ٣٩٨

٤٣. همان، ص ٤٠٢

٤٤. كافي، ج ٤، ص ٢٥٢

٤٥. محاسن، ج ١، ص ١٧٠

٤٦. كافي، ج ٤، ص ٢٧١